



استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است

شماره
۱۶۵

نشریه داخلی تهران دهم بهمن ماه ۱۳۸۶ خورشیدی شماره ۱۶۵

بنام خداوند جاز و خرد

بنام خداوند جان و خرد

جبهه ملی ایران در چنین انتخاباتی شرکت نمی کند

هموطنان عزیز!

جبهه ملی ایران بعنوان دیرین ترین جریان سیاسی ملی همواره بر استقرار حاکمیت ملی و رای آزادانه ملت برای تعیین سرنوشت خود، احترام و رعایت حقوق بشر و آزادیهای سیاسی اعتقاد داشته و مجلس مبتنی بر انتخابات سالم و آزاد را مهمترین ارگان تبلور اراده مردم برای مشارکت در اداره کشور می داند ولی دریغ آنکه در شرایط فعلی در جمهوری اسلامی تحقق یک انتخابات آزاد و سالم ناممکن و غیر قابل تصور است. حاکمیت با تبعیضات فاحش سیاسی، نقض آزادیهای مدنی و سیاسی، نادیده انگاشتن تعهدات بین المللی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر همه راهها را بر دگراندیشان و مخالفان خود که اکثریت قاطع ملت ایران هستند بسته است. آزادی احزاب و اجتماعات جز برای معدودی از وابستگان به حکومت وجود ندارد. آزادی مطبوعات بکلی منتفی است و فقط روزنامه های وابسته به صاحبان قدرت و طرفدار حاکمیت امکان انتشار دارند و امکان کاندیدا شدن هیچ شخصیت ملی و دگراندیش نیز وجود ندارد زیرا که شورای نگهبان انتصابی تحت عنوان نظارت استصوابی صلاحیت همه داوطلبان نمایندگی را جز وابستگان به حاکمیت رد می کند و بنابراین معنی شرکت در انتخابات یعنی تنها رای دادن به کسانی که از صافی شورای نگهبان گذشته و مطیع و فرمانبردار حکومت اند. گذشته نشان داده است که اگر هم فردی معتقد به مصالح ملی به مجلس راه یابد با نخستین سخن مخالف و یا اقدام در جهت حمایت از مردم بشدت محکوم و مطرود می شود و مجلس جز وسیله ای برای قانونی کردن خواسته های قدرتمندان حاکم نیست.

هموطنان عزیز!

امروز حاکمیت جمهوری اسلامی از دیدگاه داخلی در شرایطی از نارسائی ها و نابسامانیهای مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسر می برد. سیاست سرکوب دانشجویان، زنان، کارگران، فعالان سیاسی، معلمان و سایر قشرهای مردم هر روز شدت بیشتری یافته و جو خفقان آور برای ایجاد رعب در جامعه روز بروز تشدید می شود. با وجود افزایش چشم گیر درآمد نفت مردم ما کمکان با رکود اقتصادی، تورم، بیکاری و فساد مالی در تمامی عرصه ها دست به گریبانند از لحاظ نگرش منطقه ای منافع حیاتی ما در دریای مازندران و خلیج فارس با چالش های جدید روبروست برخورد انفعالی نظام با مسائل مورد بحث سبب گردیده که همسایه ای عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را به بوته تاریخ بسپارد. دیگری عهدنامه ۱۹۷۵ را زیر سؤال برد و بالاخره همسایه سوم تفاهم نامه ۱۹۷۱ را مردود اعلام نماید. حاکمیت جمهوری اسلامی در سیاست بین المللی نیز بععل مختلف میهن ما را در تنگنا و انزوا و تحریم اقتصادی قرار داده است و در چنین اوضاع و احوالی رژیم گرفتار بحران های گوناگون در صدد است با برپائی انتخابات که به ماهیت غیر دموکراتیک و ناعادلانه آن به اختصار اشاره کردیم برای خود کسب مشروعیت نماید. جبهه ملی ایران شرکت در انتخاباتی را که رای دهنده اختیاری در انتخاب کردن ندارد و انتخابات شونده را نیز جز اطاعت محض اقدامی متصور نیست انتخاباتی مبتنی بر خواسته های مردم نمی داند و در آن شرکت نخواهد کرد.

ششم بهمن ماه ۱۳۸۶

تهران - هیئت رهبری و هیئت اجراییه جبهه ملی ایران

مروری بر انتخابات در جمهوری اسلامی

روند انتخابات در جمهوری اسلامی را اگر از آغاز مرور کنیم، متوجه می‌شویم که از همان دوره اول مجلس، انتخابات ماهیتی حذفی و درونگرایی پیدا کرد. در آن زمان، دو جناح تعریف می‌شد: یکی اسلامگرایان سنتی و جمهوری اسلامی‌گرایان، و دیگری ملی‌گرایان سنتی و سازمانهای چپگرا که قصد ورود به فرایند سیاسی کشور را داشتند و ما مشاهده کردیم که حذف نمایندگان دگراندیش چه از قبل و چه در مجلس و با عدم تایید اعتبارنامه‌ها اعمال شد.

از دوره دوم به بعد، ما شاهد تنگتر شدن حلقه خودی‌ها بودیم. جناح تکنوکرات چپ مذهبی که خود را باسواد و کاردان جامعه مذهبی می‌دانست کوشید انتخابات و اداره کشور را در انحصار خود درآورد. جنگ عراق علیه ایران هم این فرصت را به آنها داد.

ولی در نخستین انتخابات پس از جنگ، حلقه خودی‌ها باز هم تنگتر شد و کم‌کم تکنوکرات‌های مذهبی هم به حاشیه رانده شدند، و با قبضه کردن دولت، مجلس و قوه قضائیه، عملاً همه امور اساسی کشور را روحانیان و نزدیکان آنها بدست گرفتند. و از آن پس این گروه برای کنترل بیشتر، حلقه خودی‌ها را باز تنگتر کرد و انتخابات را نیز کاملاً تحت کنترل کامل درآورد تا مجلس نتواند به طرح لایحه‌هایی بپردازد که به این تنگ شیشه‌ای شکننده قدرت آنها ضربه بزند. شورای نگهبان بنای دخالت در همه چیز را گذاشت، مجمع تشخیص مصلحت نظام بوجود آمد و قدرت گرفت. عرصه بر منتقدان و مخالفان حکومت تنگتر و خطرناک‌تر شد.

با این ترفندها، خطر ناشی از تبعات جنگ و بازگشت رزمندگان از بین رفت، ولی نارضایتی شدیدی در میان خودی‌هایی که اکنون ناخودی شده و به حاشیه رانده شده بودند بالا گرفت. در درون حاکمیت هم اختلاف سلیقه میان تندروان و کندروان و کسانی که فکر می‌کردند اگر جلو این روند را نگیرند، جمهوری اسلامی همراه با همه آنها سقوط خواهد کرد، شدت گرفت. این اختلافات به بیرون درز کرد، در رسانه‌ها

مطرح شد و مردم نیز تشویق به آشکار کردن مواضع انتقادی خود شدند. آنها که از برکت سرانحصارات و رانت‌ها و اقتصاد بسته و معاملات محرمانه ثروتمند شده بودند، امنیت خود را در باز کردن جامعه تا حدی که نارضایتی‌ها به حد انفجار نرسد دیدند. این اندیشه، انتخابات اول شوراها، و انتخابات مجلس ششم و ریاست جمهوری ۱۳۷۶ را پیش آورد. پیروزی اصلاح طلبان درون نظام، همانگونه که بخش هوشمند گرداندگان نظام پیش بینی کرده بودند، مردم را امیدوار به تداوم بهبود شرایط کار و زندگی کرد، و به نظر می‌رسید که با فروکش کردن موج اعتراضات و مخالفت‌ها، امنیت و بقای نظام تضمین شده باشد. ولی نظام دو نیمه شده بود.

دو نیمه محافظه کار و اصلاح طلب رودر روی یکدیگر قرار گرفتند. جناح محافظه کار که جنبش اصلاح طلبی را باعث کم‌رنگ شدن حضورش در عرصه اداره کشور و دستیابی به منابع مالی و امکانات می‌انگاشت، بجای دیدن تصویر بزرگتری که در حال شکل گرفتن بود، انرژی خود را صرف مانع تراشی و شکست دادن تلاش‌های جناح اصلاح طلب کرد. جناح اصلاح طلب راحت طلب هم که نه انگیزه و نه اراده ایستادن بر باورهای خود را داشت، زود تسلیم شد

استراتژی این جناح نوظهور

که از دید تاکتیکی

پشت بخش اصولگرای مذهبی

پنهان شده،

کنار گذاردن همه روحانیان از

دخالت در امور اجرایی و دولتی

و ایجاد یک حکومت

نظامی‌گرای تک صدایی است

وایمنی خود را بر پیگیری تعهدات خود به ملت ترجیح داد.

از سوی دیگر سران جوان جنگ رفته سپاه و بسیج که اکنون به رفاه و ثروت دست یافته بودند، قدرت مالی و نظامی خود را بشدت تقویت کرده بودند و بسیاری از آنها هم به مقتضای سنشان ادامه تحصیل داده و اکنون خود را باسوادتر، باتجربه‌تر و کارآمدتر از روحانیانی که قدرت را قبضه کرده بودند می‌دانستند. آنها اینک که به میانسالی رسیده بودند، دیگر حاضر نبودند پشتیبان نظامی‌کسانی باشند که به باور آنها لیاقت اداره کشور را نداشتند. در حالیکه جناح‌های محافظه کار سنتی و اصلاح طلب در حال جدال و حذف یکدیگر بودند، جناح نظامی تبار جدید با یک برنامه تدوین شده، گام به گام سنگرهای قدرت را قبضه کرد. این جنبش که از میانه‌های حکومت خاتمی آغاز شده بود، نخست شوراها، سپس بخش قابل ملاحظه‌ای از مجلس هفتم و قوه قضائیه را به چنگ آورد و سرانجام رییس جمهور خود را از صندوق درآورد.

استراتژی این جناح نوظهور، که از دید تاکتیکی پشت بخش اصولگرای مذهبی پنهان شده، کنار گذاردن همه روحانیان از دخالت در امور اجرایی و دولتی و ایجاد یک حکومت نظامی‌گرای تک صدایی است. انتخابات پیش رو، در واقع نبرد نهایی برای تصرف آخرین سنگر است. روحانیان که با پشتیبانی از این موج نظامی‌گری تصور می‌کردند که با سرکوب مخالفان توسط آنها قدرت خود را تحکیم می‌بخشند، بزودی با شگفتی‌های جدیدی روبرو خواهند شد و خواهند دید که این جناح نظامی‌تبار موج جدیدی از قدرت طلبی را برانداخته است.

در انتخابات پیش رو که چیزی بجز جنگ قدرت درون حکومتی نیست، به باور ما، اصلاً مهم نیست چه کسی نامزد می‌شود و چه کسی برنده می‌شود. کل ماجرای انتخابات فرمایشی و نادیده گرفتن حقوق ملت محکوم به شکست خواهد بود.

نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد

خبرها نگران کننده است. می گویند زندانیان عقیدتی خودکشی کرده اند. به چند گزارش خبری در روزهای اخیر نگاه کنیم:

ابراهیم لطف الهی دانشجوی سال چهارم رشته حقوق دانشگاه پیام نور سنندج در پی ۹ روز بازداشت در زندان خودکشی کرد! مقامات بازداشتگاه به خانواده او خبر خودکشی را اعلام کردند و هنگامیکه اعضای خانواده برای گرفتن پیکری جان فرزند خود مراجعه نمودند آنانرا به جایی که گفتند گور ابراهیم لطف الهی است و با سیمان پوشیده شده بود راهنمایی کردند. خانواده وی درخواست نیش قبر و کالبد شکافی جسد را بوسیله پزشکان قانونی مورد اعتماد خود کردند که پاسخی نگرفتند. گروههای مدافع حقوق بشر جهانی به حمایت خانواده لطف الهی تقاضای تحقیق درباره علت مرگ را نمودند، آنهم بی جواب ماند. خانواده لطف الهی در اطلاعیه ای از افراد خانواده، بستگان و دوستان دعوت به شرکت در مجلس ترحیمی کردند که بنا بود در مسجدی واقع در شهر سنندج برگزار شود، در مسجد بروی مردم بسته شد و ماموران اطلاعاتی و گروه فشار از نزدیک شدن مردم به محل مراسم ترحیم ممانعت کردند.

مجامع حقوق بشر پیامهایی برای سوگواران این دانشجوی کرد فرستادند که چون پیام آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران ناخوانده ماند.

اگر علت مرگ ابراهیم لطف الهی و خانم دکتر زهرا بنی یعقوب چند روز پس از بازداشت به اظهار مسئولین خودکشی باشد و با با نگاهی به گذشته نزدیک اکبر محمدی و خانم زهرا کاظمی خود عامل مرگ خود بوده اند درست باشد باید پرسید چه شرایطی در بازداشتگاهها حاکم است که افرادی باروحیه ای قوی تاب تحمل آن راندارند و به مرگ پناه می برند؟ و یا اگر بر اثر شکنجه باشد، آیا این امور نقض آشکار حقوق بشر نیست؟ و در حادثه ای دیگر؛ از شامگاه پنجم بهمن ۸۶ دانشجویان مقیم خوابگاه کوی دانشگاه

تهران در خیابان کارگر (امیرآباد) شمالی به غذای غیر قابل خوردنی که به آنها عرضه شده بود اعتراض می نمایند و غذا را بدور می ریزند و در یک اجتماع چند صد نفری به شرایط بد خوابگاهها و غذایی که به دانشجویان می دهند شکایت می کنند. این اعتراض ها مورد توجه واقع نمی شود و سه شب ادامه می یابد. در ساعت ۹/۵ سومین شب بوسیله نیروهای ضد شورش که وارد محوطه خوابگاه و بعضی ساختمانها می شوند دانشجویان مورد حمله قرار می گیرند. دهها نفر مصدوم و مجروح می شوند که تا صبح روز بعد اجازه انتقال آنها را به بیمارستان نمی دهند. به گفته شاهدان حدود ۲۰ (بیست) دانشجوی هم بازداشت می گردند. اینجا هم حقوق بشر پایمال می شود. اینان خواستی صنفی داشتند و تندترین شعار آنان درخواست برکناری رئیس دانشگاه تهران به دلیل بی کفایتی و عدم توانایی در اداره دانشگاه بود. ولی حکومت بارها نشان داده است که با خواستههای صنفی نیز با خشونت بارتترین شیوهها مقابله می کند و یا موردی دیگر ممانعت از برپایی مراسم یادبود خانم بی نظیر بوتو است که از سوی جبهه ملی ایران دعوت به عمل آمده بود که با بستن در مسجد حاضران را با خشونت پراکنده ساختند.

مواردی که نوشته شد نشان دهنده چگونگی برخورد صاحبان قدرت با مردم ایران است با این اوضاع و احوال آقای احمدی نژاد سخن از دموکراسی در ایران می گوید و آقای خاتمی در سفری به خارج از کشور، ایران را در دموکراسی نمونه می نامد! هر چند جای شگفتی نباید باشد که این دوازدهم دموکراسی بیگانه اند.

مشکل بزرگ میهن مانادیده گرفتن حقوق فردی و اجتماعی ملت ایران است و حاکمیت جمهوری اسلامی سالهاست با نقض حقوق اساسی ملت تلاش می کند هرگونه ندای حق طلبانه را در سینهها خاموش کند. پای بند بودن به حقوق بشر گامی است اساسی به سوی سعادت و سرفرازی ملت ایران که امروزه مردم ایران را نصیبی از آن نیست.

نبوغ و درایت و کاردانی سیاستگزاران اقتصادی جمهوری اسلامی را ملاحظه کنید. بدون شرح

ردیف	هزینه های اساسی مردم	ارزش در سال ۱۳۵۶	ارزش در سال ۱۳۸۶	ضریب افزایش قیمت
۱	یک کیلو گوشت گوسفند	۱۳۰ ریال	۹۰۰۰۰ ریال	۶۰۰ برابر
۲	یک کیلو مرغ	۱۰۰ ریال	۲۰۰۰۰ ریال	۲۰۰ برابر
۳	یک کیلو برنج گیلان	۷۰ ریال	۲۳۰۰۰ ریال	۳۳۰ برابر
۴	یک لیتر بنزین	۱۰ ریال	۱۰۰۰ ریال	۱۰۰ برابر
۵	یک عدد نان سنگک	۴ ریال	۲۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۶	یک دستگاه ماشین ساخت کارخانه ایران ناسیونال	۴۰۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۰۰۰ برابر
۷	یک بسته سیگار خارجی	۲۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۸	یک کیلو پرتقال درجه یک	۳۰ ریال	۲۰۰۰۰ ریال	۶۶۶ برابر
۹	یک کیلو پنیر	۲۰۰ ریال	۷۰۰۰۰ ریال	۳۵۰ برابر
۱۰	یک کیلو موز	۳۰ ریال	۱۱۰۰۰ ریال	۳۷۰ برابر
۱۱	یک نسخه از روزنامه های مختلف	۵ ریال	۱۵۰۰ ریال	۳۰۰ برابر
۱۲	یک عدد بلیط اتوبوس داخل شهری	۲ ریال	۱۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۱۳	یک دلار آمریکا	۷۰ ریال	۹۳۰۰ ریال	۱۳۳ برابر
۱۴	کرایه یک آپارتمان ۱۰۰ متری در محل متوسط شهر	۱۲۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰ برابر
۱۵	یک پاکت شیر پاستوریزه	۱۰ ریال	۷۰۰۰ ریال	۷۰۰ برابر

متن پیام تسلیت جبهه ملی ایران

پیام ارسالی جبهه ملی برای مراسم ختم
آقای ابراهیم لطف الهی در مسجد ادب سنندج در
دوشنبه ۱۳۸۶/۱۱/۱

دانشجویان محترم کُرد؛

با اظهار تنفر شدید نسبت به فشار ظالمانه وارد بر دانشجویان و بگیر و ببندهای ستمگرانه حکومت درباره این قشر از افراد آزادیخواه که چشم چراغ کشور و ملت ایران اند مراتب اندوه و تألم خود را از سانحه درگذشت روانشاد ابراهیم لطف الهی، از سوی جبهه ملی ایران اعلام می‌کنم و امیدوارم روح پاک آن مرحوم در جوار رحمت حق قرین آموزش و آسایش قرار گیرد.

رئیس شورای مرکزی و رهبری جبهه ملی ایران

ادیب برومند

یکم بهمن ماه ۱۳۸۶ خورشیدی

قصد از محاکمه مجرم انتقام‌گیری نیست

بیرحمی را محاکمه و اجرای عدالت می‌گذارند؛ آیا کسانی که در منصب شریف قضاوت نشستند به اندازه صرف یک فنجان چای فکر کرده‌اند که اگر به فرض تمام اتهامات و جرائم عنوان شده در مورد جوانان ۱۶- ۱۸ ساله صحیح و مسلم باشد تازه این سوال مطرح می‌شود که آنها در چه محیط پر ستم و تبعیض و عقده‌ساز بدون آنکه سرپرستی دلسوز داشته باشند به ارتکاب جرائم بزرگ روی آورده‌اند؟ آیا قانون ناهماهنگ با مقتضیات روز، دزدان و قاچاقچیان کلان و یکشبه در دریای ثروت و نعمت غرق شده را هم در نظر دارد و می‌تواند یک بند از انگشتان آنان را قطع و حکم عدالت را جاری نمایند؟

بارها عنوان کرده‌اند و شنیده ایم که احکام وحشتناک و چندی آبر برای عبرت و ترساندن افراد بالفطره خطاکار و مستعد ارتکاب جرم و در نتیجه حفظ سلامت جامعه ضرورت دارد، آیا ممکن است بفرمائید که بشر متملن چند قرن دیگر باید تاثیر چنین مجازات و اقدامات در تنبیه و عبرت آموزی را آزمایش کند و درک نماید که برای ایجاد امنیت و سلامت در جامعه، مجازاتهای سنگین اگر تاثیری هم داشته باشد بسیار زودگذر و فراموش شدنی است؟ اینک جای اندوه و شکوه بسیار است که در دایره وسیع خشونتها (بالاخص در مورد جوانان) اینهمه مدرک بدست مخالفان میدهیم تا در عصر تسخیر فضا انگشت بر اعمال و رفتارمان بگذارند و بگویند هیأت حاکمه ملتی که در آن مقامات مسئول، وزیر، وکیل و ثروتمند تا دلشان بخواهد می‌توانند از مواهب و امکانات زندگی بهره ببرند و خوش باشند اما جوانان شانزده ساله‌ی سرشار از تمایلات جنسی بجرم رفاقت با پسر یا دختر همسایه باید در انتظار عقوبتهای سخت و بی تناسب با جرم (؟) بمانند و تعیین کنندگان این مجازاتها ندای ملامت وجدان خویش را نشنوند! براستی گر اینند با عقل و رایان گیتی!...

خانم پروین اعتصامی شاعر بزرگ ایران در یکی از اشعار خود با عنوان سر و سنگ می‌گوید: دیوانه‌ای با سنگی که در جیبش نهان کرده بود روزی سر عابری را شکست، چند نفر او را گرفته و پیش قاضی بردند و ماجرا را شرح دادند، قاضی حکم کرده همان سنگ را بر سر دیوانه بزنند که جزای بدکار همین است و جز این نیست...

دیوانه چون حکم قاضی را شنید؛ « بخندید دیوانه زان دیورائی / که نفرین بر این قاضی و حکم و دفتر / کسی می‌زند لاف بسیار دانی / که دارد سری از سر من تهی تر / گر اینند با عقل و رایان گیتی / ز دیوانگانش چه امید دیگر .. نشستند و تدبیر کردند با هم / که کوبند با سنگ دیوانه را سر !!»

از دانشمندان رشته ی حقوق در مورد ضرورت دقت و موشکافی قاضی سخنی باین مضمون گفته‌اند که اگر به سبب تحقیق درباره علل مجرمیت در پرونده جنائی، سالها وقت صرف شده و صد مورد به علت فقدان دلیل محکم و اطمینان بخش برای قاضی حکم اعدام صادر نگردد، شایسته‌تر و عادلانه‌تر از آنست که با عجله سر بیگناهی بالای دار مجازات برود. دانشمندان علم جامعه شناسی هم معتقد هستند که آنچه موجب تقلیل جرم در جامعه می‌شود شدت مجازات نیست بلکه حتمیت مجازات است یعنی هر کس در هر موقعیتی مرتکب جرم شد مجازات قانونی را پس از داور دقت و بیطرفانه تحمل نماید.

توجه کنیم که فاصله ی اندیشه در مورد قضاوت و نگاه به اعمال او به عنوان انسانی که خلیفه خداوند بر روی زمین است از کجاست تا به کجا؟.. جوانان محروم از حقوق و موهبتها و لذات زندگی بشر قرن بیست و یکم را فی المثل به اتهام دزدی، قاچاقچی گری، زنا و... با سرعتی باور نکردنی به شدیدترین مجازاتها از سنگسار کردن، چشم درآوردن تا پرتاب از بلندی و بریدن دست و پا محکوم می‌کنند و اسم این

نشریه پیام جبهه ملی
با کمک‌های مالی
شما هم اندیشه‌گان و
خوانندگان گرامی
اداره می‌شود

تجهم‌ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

بایاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com